

رویکرد انتقادی منتقدان معاصر اهل سنت به

مبانی کلامی تفسیر امامیه

نقد و بررسی کتاب

◀ مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن با رویکرد نقادانه به آرای ذهبی، عسال و رومی؛ علی راد؛ تهران: سخن، ۱۳۹۰.

عضو هیأت علمی مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

تفسیر امامیه یکی از جریان‌های قرآن‌پژوهی جهان اسلام به شمار می‌آید و پیشینه‌ای کهن در اندیشه اسلامی دارد؛ از این رو مفسران امامیه با تکیه بر سنت معصومان (علیهم السلام) و دلایل عقلی، نظریه تفسیری منسجم و روشمندی را در آثار خود ارائه کرده‌اند. مقصود از نظریه تفسیری امامیه، مؤلفه‌های بنیادی دانش تفسیر در مذهب امامیه است. توجه به این مؤلفه‌ها، نقش اساسی در تصویر مفهوم تفسیر نزد مفسران امامیه دارد. صحت هر تفسیری، تابع اعتبار همین مؤلفه‌ها و رعایت آنها هنگام تفسیر از سوی مفسر است. این نظریه با تکیه بر عملکرد و تعاریف مفسران قدیم و معاصر قابل استخراج است.

مؤلف محترم کتاب، دکتر علی راد که عضو هیأت علمی دانشگاه تهران است، در سخن آغازین خود بر این نکته تأکید می‌کند که عمده اختلاف نظر مفسران به تفاوت مبانی تفسیری آنان برمی‌گردد. البته او به این نکته نیز بی‌توجه نیست که تعصبات مذهبی، سیاسی و ذهنیت‌های خودساخته افراد نیز در این میان بی‌تأثیر نبوده است. نویسنده به حق به این نکته اشاره می‌کند که: «آنچه از چهره درهم‌کشیده تفسیر فریقین نسبت به یکدیگر مشاهده می‌شود، ریشه در همین تأثرات مذهبی و میانی اختلافی آنان در تفسیر دارد».

نویسنده سپس مبانی تفسیر را به مجموعه باورهای اعتقادی، کلامی،

چکیده: کتاب مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن با رویکرد نقادانه به آرای ذهبی، عسال و رومی، کتابی است که توسط آقای راد در سال ۱۳۹۰ و توسط انتشارات سخن به رشته طبع درآمد است. نویسنده در راستای جلب توجه اندیشمندان شیعی به شبهاتی که منتقدان به مبانی کلامی تفسیر شیعی وارد ساخته‌اند، به معرفی کتاب مذکور اقدام نموده است. در این راستا، ابتدا علت و چگونگی شکل‌گیری کتاب را طرح و سپس بخش‌های اصلی کتاب را ذکر می‌کند. در نهایت، نوشتار خود را با ارائه گزارشی از رویکرد انتقادی نسبت به تفسیر قرآن شیعیان در قالب دو قسمت آشنایی با منتقدان معاصر تفسیر امامیه و نیز ارائه گزارشی اجمالی از شبهات وارده منتقدان به تفاسیر شیعی، به اتمام می‌رساند.

کلیدواژه: مبانی کلامی تفسیر امامیه، رویکرد منتقدان اهل سنت، کتاب مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن با رویکرد نقادانه به آرای ذهبی، عسال و رومی، مبانی کلامی تفسیر شیعی، معرفی کتاب.

۱. اشاره

حجت‌الاسلام دکتر علی راد، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران حدیث کتابی با عنوان مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن با رویکرد نقادانه به آرای ذهبی، عسال و رومی به رشته تحریر درآورده است که توسط انتشارات سخن در ۴۵۶ صفحه چاپ و منتشر شده است. با توجه به معاصر بودن منتقدان به مبانی کلامی تفسیر شیعی، ضروری است تا شبهات و اشکال اصلی این مخالفان گزارش شود تا مورد توجه اندیشمندان شیعی قرار گیرد.

بخش پنجم: بررسی و نقد آراء منتقدان مبانی کلامی تفسیر امامیه (شامل: آشنایی اجمالی با منتقدان مبانی کلامی تفسیر امامیه و تقریر و پاسخ اشکالات منتقدان مبانی کلامی امامیه در تفسیر).

۴. گزارش رویکرد انتقادی نسبت به تفسیر قرآن شیعیان
مؤلف پس از آنکه بیش از نیمی از کتاب خود را به تبیین مبانی کلامی عام و خاص امامیه در تفسیر و تأثیر آن در تفاسیر شیعیان اختصاص می‌دهد، به گزارش بررسی و آراء منتقدان مبانی کلامی تفسیر امامیه می‌پردازد. وی در ابتدا منتقدان معاصر تفسیر امامیه و آثار آنان را معرفی می‌کند و سپس به تفسیر اشکالات آنان و پاسخ آن اشکالات و شبهات برمی‌آید.

۴-۱. آشنایی با منتقدان معاصر تفسیر امامیه

تفسیر امامیه بنا به عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی،

در طول تاریخ آماج نقدها و انکارهای مخالفان از سوی اهل سنت بوده است. بیشترین اشکال‌ها ریشه در اختلافات کهن کلامی امامیه و اهل سنت و جماعت داشته و ناشی از فقدان درک درست مخالفان از مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن بوده است. یکی از اهداف نویسنده در نگارش کتاب مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن...، شناسایی

تفسیر امامیه یکی از جریان‌های قرآن پژوهی جهان اسلام به شمار می‌آید و پیشینه‌ای کهن در اندیشه اسلامی دارد؛ از این رو مفسران امامیه با تکیه بر سنت معصومان (علیهم السلام) و دلایل عقلی، نظریه تفسیری منسجم و روشمندی را در آثار خود ارائه کرده‌اند.

نقدهای مخالفان شیعه و پاسخ‌دهی منطقی و عملی به آنها بوده است. وی در این اثر شبهات سه تن از نویسندگان معاصر اهل سنت علیه مبانی کلامی امامیه در تفسیر را مطرح و مورد نقد قرار داده است. نویسنده دلیل انتخاب این سه تن را این‌گونه شرح داده است:

قلمرو زمانی مدنظر برای شناسایی نقدها، دوره معاصر و آثار مشهور مخالفان بوده است. از این رو، به نگاشته‌های پیش از چند دهه اخیر نپرداخته‌ایم؛ چرا که آثار معاصر، خود استوار بر پندهای پیشینیان اهل سنت و گزارشگر ادعاهای آنان بوده‌اند. دوم اینکه قصد پاسخ‌گویی به همه شبهات و نقدهای مطرح علیه تفسیر امامیه را نداریم و تنها به آن دسته از اشکالات آنان می‌پردازیم که ناظر به مبانی کلامی امامیه در تفسیر باشد. پس از بررسی‌های اولیه روشن شد که نقدهای نسبتاً مهم و اساسی علیه مبانی کلامی امامیه در تفسیر، بیشتر در آثار سه تن از نویسندگان معاصر اهل سنت آمده است.

این سه تن عبارت‌اند از:

۱. دکتر محمد حسین ذهبی (متوفای ۱۹۷۷م) در کتاب التفسیر و المفسرون: بحث تفصیلی عن نشأة التفسیر و تطوره.

زبان شناختی، تاریخی و علمی مفسر نسبت به متن و عناصر اساسی دخیل در تفسیر تعریف می‌کند و آن را به سه بخش «برون متنی - درون متنی»، «نظری و کاربردی» و «صدوری - دلالتی» تقسیم می‌کند.

دکتر علی‌راد تأکید می‌کند که مبانی کلامی در میان مبانی تفسیری، نقش مهمی در تمایز یک نظریه از دیگر نظریات تفسیری دارد. او معتقد است هر مفسری قبل از شروع به تفسیر باید نسبت به مبانی کلامی خود را در نظر بگیرد و در هنگام تفسیر مقید به رعایت آنها باشد. مؤلف در انتهای بند (ب) سخن آغازین خود تصریح می‌کند که عدم تنقیح مبانی کلامی امامیه در تفسیر و طبقه‌بندی منطقی آنها از سوی مفسران امامیه، خلاء مهم و اصلی در تفاسیر امامیه است.

۲. علت و چگونگی شکل‌گیری پژوهش

این پژوهش بر پایه احساس نیاز در دو عرصه ذیل شکل گرفته است. یک) ضرورت شناسایی و بسط منطقی و روشمند مبانی کلامی امامیه در تفسیر. دو) شناسایی نقدهای مخالفان مبانی کلامی امامیه در تفسیر و پاسخ به آنها.

نویسنده در راستای تحقق این اهداف، با مشکلات عمده‌ای چون تشتت و پراکندگی منابع پژوهشی و عدم تنقیح و تبیین مستقل مبانی کلامی امامیه از سوی مفسران شیعی مواجه شده است؛ بنابراین می‌نویسد:

قرآن پژوهان شیعی این مبانی را مفروض گرفته و در حد پیش‌فرض‌ها در تفسیر تلقی کرده‌اند. همچنین تاکنون در پاسخ به این نیازها، پژوهشی مستقل با رویکرد تحلیلی - انتقادی در حوزه مبانی کلامی امامیه در تفسیر سامان نیافته بود. امیدوارم به امداد الهی، پژوهش حاضر در این مسیر موفق بوده باشد؛ هرچند که آن را خالی از کاستی نمی‌دانم. از آنجا که مسئله این پژوهش موضوعی میان‌رشته‌ای در تفسیر و کلام است، نتایج آن در مطالعات تطبیقی دانش تفسیر و کلام اسلامی سودمند خواهد بود.

۳. بخش‌های اصلی کتاب

این کتاب شامل یک مقدمه و پنج بخش است. پنج بخش کتاب عبارتند از:

بخش اول: تبیین مفهوم نظریه تفسیری و شاخصه‌های نظریه تفسیری امامیه.

بخش دوم: مبانی کلامی عام.

بخش سوم: مبانی کلامی خاص امامیه در تفسیر.

بخش چهارم: (به ترتیب در سه فصل) تأثیر مبانی کلامی خاص امامیه در سه مولفه منبع، روش و داوری تفسیری.

۲. دکتر محمد محمد ابراهیم عسال (متوفای حدود ۱۹۸۵ م) در کتاب الشیعة الاثنی عشریه و منهجهم فی التفسیر.

۳. دکتر عبدالرحمن فهد الرومی (در قید حیات) در کتاب اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر.

۱-۱-۴. دکتر محمد حسین ذهبی

دکتر علی راد با استفاده از مقاله آقای محمد حسن مددی با عنوان «تأملی در نقد ذهبی از مجمع البیان» که در شماره ۲۹ - ۳۰ (تابستان ۱۳۸۱) مجله پژوهش‌های قرآنی منتشر شده است، دیدگاه‌های دکتر محمد حسین ذهبی را به شرح زیر تعریف کرده است:

ذهبی، یک سنت‌گرا و کم‌ویش آشنا با فرهنگ غرب است. دیدگاه او نقلی است. در کلام اشعری و در فقه پیرو احمد بن حنبل و سلفی است. نگاه او به تاریخ و فقه و اصول و حدیث و تفسیر، برخاسته از مشرب کلامی اوست. از میان تفاسیر به تفسیر البحر المحیط ابوحیان اندلسی و ابن تیمیه استناد می‌جوید. سخن ابن تیمیه را بر دیگران ترجیح می‌دهد. صحاح [سته] را راست‌ترین کتاب‌ها پس از کتاب خدا می‌داند. دو کتاب منهاج السنة (ابن تیمیه) و مقدمه ابن الصلاح را در رتبه، پس از صحاح قرار می‌دهد. از میان کتابهای فقه و اصول، الفتاوی ابن تیمیه و الموافقات ابواسحاق شاطبی را برگزیده است. در رجال، توجه خاصی به لسان المیزان و تهذیب التهذیب (هردواز) ابن حجر عسقلانی و میزان الاعتدال ذهبی دارد. در بررسی فرقه‌ها و مذاهب‌ها که از مهم‌ترین بخش‌های کتاب او به شمار می‌رود و در گزارش عقاید شیعه، بیش از همه الفرق بین الفرق بغدادی و پس از آن به کتاب التبصیر فی الدین ابوالمظفر اسفراینی و تبیین کذب المفتی ابن عساکرو الوشیعة الی عقائد الشیعة موسی جارالله اعتماد دارد. مؤلفان آثار یادشده، جدای از تفاوت حوزه‌های دانشی آنها، دارای مبانی مشترک و دیدگاه‌های همسوی کلامی و فکری علیه شیعه هستند و گرایش‌های اخباری - سلفی دارند؛ اندیشه‌ای که هرگونه نوآوری را بدعت در دین می‌داند و آن را کفر و زندقه می‌خواند. ذهبی با نگاه ابن تیمیه به تفسیر می‌نگرد و با نظر بغدادی و ابوالمظفر اسفراینی و موسی جارالله در مورد فرق و مذاهب (به ویژه شیعه) به تحلیل و داوری می‌نشیند.

محمد حسین ذهبی یک چهارم از کتاب التفسیر و المفسرون (۳۰۰ صفحه) را به بررسی مذهب شیعه و تفاسیر آنها اختصاص داده است. او مهم‌ترین آموزه‌های اعتقادی شیعه را عصمت، مهدویت، رجعت و تقیه دانسته و در بررسی تفاسیر شیعه نیز بیشتر به همان‌ها می‌پردازد. دکتر علی راد می‌نویسد: «ذهبی معتقد است شیعه قرآن را بر اساس

آموزه‌های خود تفسیر می‌کند. او در واقع آمیزه‌ای از گرایش اخباری آمیخته با غلورا معیار خود در معرفی و نقد شیعه قرار داده است».

عمده ملاک‌های ذهبی در انتخاب موضوعات بحث، همان محورهای قدیمی و همیشگی مورد اختلاف شیعه و سنی (به ویژه دو قطب اخباری شیعه، سلفی سنی) بوده است:

۱. آموزه‌های اعتقادی: امامت، عصمت، رجعت، مهدویت.
۲. مسائل کلامی: سحر، تحریف قرآن، رویت خدا، هدایت و گمراهی و ...
۳. مسائل فقهی و اصولی: وضو، نکاح اهل کتاب، متعه، اجماع، استحسان و ...
۴. مسائل عرفانی: ظاهر و باطن و برداشت‌های عرفانی از آیات.

علی راد تفسیر شیعه از منظر ذهبی را چنین توصیف کرده است: «امامیه اثنا عشریه نیز قرآن را بر اساس عقیده و میل و هوای نفس خودشان تفسیر می‌کنند. اینان در تفسیر مذهبی خود هیچ دست‌آویز درست و دلیل روشنی ندارند، بلکه اینها پندارهایی است که بر اثر عقیده نادرست آنان در ذهنشان جای گرفته و خرافاتی بیش نیست که در اندیشه‌های فاسد آنها لانه کرده و خرافات در خرافات است».

ذهبی در پایان گزارش خود از اصول شیعه و دیدگاه آنها در تفسیر قرآن و منابع تفسیری، اشاره‌ای به مهم‌ترین منابع روایی شیعه؛ مانند کتب اربعه حدیثی، و سائل الشیعه و بحار الانوار دارد و به نقل از الوشیعة الی مذهب الشیعه (عقائد الشیعه) تألیف موسی جارالله، همه آنها را خرافات و ناروایی می‌شمارد که متن آنها جعلی و سلسله اسناد آنها ساختگی است.

از آنچه آمد به وضوح، تعصب و تقلید ذهبی، گزینشی برخورد کردن با تفسیر قرآن و شیعه، اعتماد به تفاسیر مأثور غیر معتبر و تأثیر پذیری آشکار وی از آراء ابن تیمیه، جارالله و ... به چشم می‌خورد.

۲-۱-۴. دکتر محمد محمد ابراهیم عسال

در بین آثار معاصر اهل سنت، کتاب الشیعة الاثنی عشریه و منهجهم فی التفسیر تألیف محمد محمد ابراهیم عسال در نهمصد صفحه، گسترده‌ترین اثری است که تنها به بررسی و نقد تفسیر امامیه اختصاص یافته است. نویسنده از استادان سابق تفسیر و علوم قرآنی دانشکده اصول دین دانشگاه الازهر مصر بوده است. عسال این اثر را برای احراز رساله دکتری در سال ۱۴۰۱ق تألیف کرده است. علی راد درباره مقدمه احمد غامدی که در مقدمه این کتاب در ضمن تجلیل از نویسنده کتاب (عسال) درباره این اثر نوشته است، اظهار داشته است:

غامدی در مقدمه خود مبتنی بر مطالب کتاب، به خاستگاه تاریخی اختلاف میان امت اسلامی اشاره نموده و پذیرش

۳-۱-۴. دکتر فهد بن عبدالرحمن رومی

رومی نزدیک به نود صفحه از کتاب اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر را به نقد تفسیر شیعه و به طور خاص تفسیر المیزان، مرحوم علامه طباطبایی اختصاص داده است. رومی از آراء ابن تیمیه در نقد اعتقادات شیعه و کتاب التفسیر و المفسرون ذهبی در نقد تفسیر امامیه تأثیر پذیرفته است. رومی در کتاب خود که حدود ده سال قبل (۲۰۰۲ م) منتشر کرده است، در ارزیابی خود از منهج تفسیری امامیه می نویسد:

مثَل من که می خواهم درباره شیوه تفسیری امامیه سخن گویم، مثل مردی است که در مقابل قصری بلند و باشکوه، با ستونهای شکسته و ویران ایستاده است. قصری که ارکانش فروریخته و آثار شکوهش از میان رفته و چیزی جز عیب و نقص آن آشکار نمانده است. من این سخن را از سر تعصب و کینه نمی گویم، بلکه چون این شیوه را از پای بست و ویران می بینم، چنین حکم می کنم.

رومی در کتاب خود با استناد به برخی از روایات و سخنان برخی از مفسران امامیه، ویژگی های تفسیری امامیه را قائل شدن به وجود بطن برای قرآن و انحصار تأویل آن برای امامان، جری قرآن بر اهل بیت و دشمنان آنان، اعتزال گرای در تفسیر عقلی قرآن و تفسیر و تأویل آیات بر حسب اعتقادات بر شمرده است. دکتر علی راد درباره کتاب رومی نوشته است:

نویسنده سپس مبانی تفسیر را به مجموعه باورهای اعتقادی، کلامی، زبان شناختی، تاریخی و علمی مفسر نسبت به متن و عناصر اساسی دخیل در تفسیر تعریف می کند و آن را به سه بخش «برون متنی - درون متنی»، «نظری و کاربردی» و «صدوری - دلالتی» تقسیم می کند.

از نگاه وی خاستگاه انحراف منهج تفسیری شیعه، عدم اعتبار روایات صحابه نزد آنان است. مبتنی بر همین اعتقاد، شیعیان مجبور شدند به اموری چون نقل روایات موضوع و انتساب آنان به ائمه شیعه، دارابودن مقام تشریح امامان به دلیل عصمت آنان، باطن گرای در تفسیر آیات، جری و تطبیق و تحریف قرآن روی بیاورند. در نگاه ایشان انکار تحریف قرآن از سوی برخی از امامیه از روی تقیه است و کتاب های مورد اعتماد آنان انباشته از روایات تحریف است. همچنین شیعه مجبور شد به تقیه، رجعت، بدا و امامت اعتقاد پیدا کند، بدون اینکه دلیل معتبری از قرآن و سنت صحیح داشته باشد.

۲-۴. گزارشی اجمالی از اشکالات و شبهات وارده منتقدان به تفاسیر شیعی

مؤلف محترم در پژوهش خود تنها به شناسایی اشکالات مرتبت با

افسانه عبدالله بن سبا و گرایش به غلو در شیعه نسبت به ساحت امام علی و دیگر امامان را از عوامل مؤثر در این موضوع خوانده است. با وجود تکثر آغازین در مرحله پیدایی فرق اسلامی، بیشتر آنها همانند مرجئه، خوارج، معتزله از بین رفتند. امامیه از معدود فرق باقی مانده است که دو دلیل در بقای آن نقش داشته است: نخست تقویت مبانی مکتب امامیه با تألیف آثار متعدد در تأویل قرآن و روایات نبوی و دیگری وضع حدیث دروغین بر پیامبر اسلام از سوی راویان شیعی. در بخش دیگری از مقدمه بر روشمندی کار عسال تأکید نموده و ویژگیهایی چون اعتماد بر منابع شیعه در بیان اعتقادات آنان، عدم الزام شیعه به نظر غیر اجماعی نزد آنان، پذیرش دیدگاه صحیح شیعه در صورت وجود و عرضه دیدگاه های شیعه بر قرآن برای آن بر شمرده است.

احمد غامدی و علی احمد سالوس در مقدمه های خود از تلاش عسال در نگارش این اثر به عنوان «پژوهش بزرگ» یاد کرده و رساله وی را در نشان دادن تأثیر جریان غلو در تفسیر شیعه قابل توجه خوانده است. ساختار کلی کتاب عسال از یک مقدمه، چهار باب و یک خاتمه تشکیل شده است:

باب اول: الشیعه و نشأتهم و اهم عقائدهم.

باب دوم: موقف الشیعه من تفسیر القرآن و نظراتهم الیه.

باب سوم: عقائد الشیعه الاثنی عشریه و اثرها فی التفسیر.

باب چهارم: تفاسیر الشیعه بین الغلو و الاعتدال.

در باب اول، تاریخ پیدایش فرق شیعی، آشنایی مختصر با امامان شیعه، اهم عقاید شیعه، برخی از مسائل مهم فقهی در فرق شیعه و اهم مصادر شیعه در عقاید، احکام و تفسیر مطرح شده است.

باب دوم از سه فصل کلی تشکیل شده است:

فصل اول: امامان آل البیت، تنها مفسران و مترجمان قرآن

فصل دوم: تفسیر باطنی نزد شیعه و اثر آن در بازی با نصوص قرآن

فصل سوم: مسئله تحریف قرآن نزد مفسران شیعی (اعم از کاستن از آیات، سوره ها، تغییر ترتیب کلمات و آیات)

در باب سوم، تأثیر اعتقادات کلامی شیعه در تفسیر ارزیابی شده است.

باب چهارم، در بردارنده تقسیم تفاسیر شیعی به دو نوع تفاسیر غلات و تفاسیر معتدل است. تفاسیر امام حسن عسکری، قمی، الصافی، البرهان، مجد البیان و مرآة الانوار و بیان السعاده را از جمله تفاسیر غلات به شمار آورده و تفاسیری چون مجمع البیان، جوامع الجامع، کنز العرفان، تفسیر شبر، آلاء الرحمن و تفسیر المبین مغنیه را در زمره تفاسیر معتدل قرار داده است.

مبانی کلامیه امامیه بسنده کرده است و به سایر اشکالات و شبهات نپرداخته است. به منظور پرهیز از تطویل، تنها به گزارش این اشکالات اکتفا می‌کنیم و خوانندگان محترم را جهت اطلاع از ارزیابی و نقد نویسندگان به متن کتاب ارجاع می‌دهیم.

۱- ۲- ۴. اشکال اول: فهم قرآن در اعضا و عترت نبوی

ذهبی در صفحه ۲۴ کتاب خود، عسال در صفحه ۱۱۳ اثر خود و رومی در صفحه ۲۲۷، «فهم قرآن در انحصار عترت نبوی» را به شیعه نسبت داده و این آموزه را اعتقاد تمامی شیعه و مقبول تمام مفسران امامیه قلمداد کرده‌اند. عسال یکی از مخالفان، در این باره نوشته است:

هنگامی که تفاسیر شیعه را تتبع می‌کنیم، چنین می‌یابیم که در تمامی آنها عقیده اختصاص تفسیر قرآن به امامان وجود دارد؛ بدین معنا که علم به قرآن همگی تنها نزد امامان وجود دارد و دیگران را در آن سهمی نبوده و سازماندهی نیست که غیر از امامان چیزی از قرآن را تفسیر کنند، چرا که مردمان عادی از ادراک معانی قرآن قاصرند. امامان تنها کسانی هستند که احاطه علمی به قرآن دارند و تفسیر قرآن به آنها تفویض شده است و به هر وجهی که بخواهند می‌توانند قرآن را تفسیر کنند و نهایی برای نص قرآنی در تفسیر آنان وجود ندارد؛ چرا که آنان در مقام مشیت‌اند که فوق مقام امکان است؛ از این رو چیزی از محکم و متشابه، مطلق و مقید، عام و خاص، ظاهر و باطن و ... قرآن از علم آنان خارج نیست....

عسال به گمان خود، دلیل اصلی شیعه در این ادعا را تفویض امر شریعت به امامان، بعد از رحلت رسول خدا دانسته است. به باور وی، تفویض شریعت با تفسیر قرآن ملازمه دارد و از مفاد آن نتایج ذیل به دست می‌آید:

الف) عدم شایستگی غیر امامان برای تفسیر قرآن.

ب) توجیه تفاسیر متعدد معصومان از یک آیه با تمسک به فرضیه تفویض و تقیه.

ج) اختیار امامان در تفسیر مطلقات و تخصیص عمومات قرآنی به استناد علم خاص آنان.

د) توجیه تأویل تشابهات و حروف مقطعه و مبهمات قرآنی با علم خاص امامان در فهم قرآن.

ه) عدم صحت تصور ابهام و تشابه برای امامان در فهم قرآن.

و) حروف مقطعه اسرار و رموزی هستند که تنها پیامبر (ص) و امامان تأویل آنها را می‌دانند و غیر آنان مقصود در افهام این آیات نبودند.

ز) روایات منع از تفسیر، همگی ناظر به علم خاص معصومان در تفسیر قرآن است و مفهوم آنها این است که در تفسیر و تأویل قرآن روا

نیست که به غیر از اخبار آنان مراجعه نمود.

مخالفان برای اشکال اول خود به دلایل ذیل استناد کرده‌اند که مؤلف کتاب، دکتر علی راد به تک‌تک آنان به صورت مستدل و مستند پاسخ داده است:

یک) ملازمه تفویض شریعت به امامان با تفسیر قرآن

دو) تناقض با سخن امام علی (ع)

سه) تناقض با قرآن

چهار) تناقض با عقل

پنج) تناقض با واقعیت تاریخی

۲- ۲- ۴. اشکال دوم: عدم اعتبار قول صحابه

اشکال دومی که منتقدان بر مبانی کلامی امامیه در تفسیر مطرح کرده‌اند، اعتقاد امامیه به عدم اعتبار قول صحابه در تفسیر است. البته این اشکال هر چند ناظر به منابع امامیه در تفسیر است؛ اما متأثر از مبانی کلامی امامیه است. امامیه قول صحابه را در تفسیر و غیر تفسیر به صرف عنوان صحابه بودن حجت نمی‌داند و تنها در حدی یک رأی و نظر تفسیری ارزش دارد و هیچ الزام عقلی و شرعی بر پذیرش آراء آنان قائل نیست. در مقابل، اساس تفکر اهل سنت مبتنی بر حجیت قول صحابه در دین‌شناسی است و این اعتقادات جزء ضروریات مذاهب اهل سنت است. بدیهی است که مخالفان، مبنای امامیه را در این موضوع قبول نداشته باشند و نقد کنند. ذهبی پس از معرفی فرقه‌های مختلف امامیه با استناد به نقل ابوالمظفر اسفراینی، شیعه را این چنین معرفی می‌کند:

بدان که همه فرقه‌های امامیه که پیش از این نام بردیم، بر تکفیر صحابه اتفاق نظر دارند و ادعا می‌کنند که قرآن از سوی صحابه دچار زیادت و نقصان شده است. ادعا می‌کنند در آیات (قرآن) تصریح بر امامت حضرت علی (ع) بوده؛ ولی صحابه آن را از قرآن حذف کرده‌اند. امامیه اثناعشریه در تفسیر قرآنی و نظراتشان درباره قرآن به چیزهایی اعتماد دارند که از قبیل اوهام و خرافات به شمار می‌آیند و جز در عقول آنان در جای دیگری یافت نمی‌شود.

۳- ۲- ۴. اشکال سوم: اعتقاد شیعه به تحریف قرآن

اتهام دیگری که مخالفان مطرح کرده‌اند، اعتقاد جمهور شیعه به تحریف قرآن است. از نگاه مخالفان شیعه که ادعای تحریف و تبدیل قرآن را دارد، خودشان تحریف‌کنندگان قرآن هستند، با برگرداندن الفاظ قرآن و دروغ بستن به خدا از روی هوا و هوس، مخالفان این شبهه درباره شیعیان را در موارد ذیل دنبال کرده‌اند:

۱. تحریف قرآن، نظریه اجماعی شیعه.

۲. تواتر روایات تحریف قرآن نزد شیعه.

این اخبار نزد امت اسلامی شناخته شده نیست و نقل آنها توسط شیعه وثاقت آنها را از بین می‌برد؛ چون به انگیزه بدعت و استخدام در راستای عقاید مذهبی شیعه بوده است. عموم این اخبار در تعارض صریح با قرآن‌اند و آنچه صدور آن از رسول خدا ثابت نباشد موضوع است و نشانه‌های وضع در آنها آشکار است و سازماندهی نیست که دینی استوار بر چنین اباطیلی باشد. هیچ‌گونه نص دینی که مردم را الزام به پذیرش چنین روایاتی بکند، وجود ندارد؛ چون معصومی جز صاحب شریعت یعنی حضرت محمد (ص) وجود ندارد و قرآن تنها دستور به اخذ از ایشان داده است.

عسال تحت تأثیر منهج الاعتدال ابن تیمیه (که سراسررد شیعه است) نقل می‌کند که شیعیان دروغ‌گوترین مردمان در نقلیات و جاهل‌ترین آنان در عقلیات‌اند و در غلو و جهل شبیه مسیحیان‌اند. وی پس از نقل سخنان ابن تیمیه می‌گوید: «کلام شیخ الاسلام سخن حقی است که در آن ریبی نیست و مصداق آن در اخبار شیعه است و رجالی که در نقل اخبار به آنها اعتماد می‌کنند و به آل‌البتیت نسبت می‌دهند؛ حال آنکه امامان خود از آنان برائت جسته‌اند».

۷ - ۲ - ۴. اشکال هفتم: سوءاستفاده از مبهمات و اسباب نزول در نگاه مخالفان مبهمات قرآنی، عرصه گسترده‌ای برای شیعه در استخدام آیات مطابق اعتقادات اختصاص آنان بوده است و با همین هدف از اخبار منسوب به امامان مدد جسته و آیات مبهمی را در شأن ائمه و مخالفان آنان تفسیر کرده‌اند؛ حال آنکه مفاد این اخبار از ظاهر معنای آیات دور بوده و با اخبار صحیحه در تعارض هستند.

۵. نتیجه

براساس پژوهش آقای دکتر علی راد که در زمره کتاب‌های برگزیده نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در سال ۱۳۹۱ هم اعلام شد و از ویژگی‌های یک پژوهش علمی و برخوردار روشن می‌گردد که امامیه در تفسیر قرآن دارای نظریه تفسیری منسجم و ضابطه‌مندی است. مبادی نظریه تفسیری امامیه، قرآن، سنت معتبر و عقل است. این مبادی در عملکرد تفسیری مفسران امامیه متبلور شده است. هرچند قدمای مکتب امامت، تعریف ساختاری و جامع از تفسیر ارائه نکرده‌اند؛ اما مبانی نظری و کاربردی ایشان در تفسیر آنان لحاظ شده است. در دوره‌های معاصر، نظریه تفسیری پیروان مکتب امامت تکامل یافت و منسجم شد. البته در برخی از مؤلفه‌های آن در میان قرآن‌پژوهان تنوع نظر هم پدیدار شده است.

در پایان گفتنی است با وجود پاسخگویی جامع حجت‌الاسلام دکتر علی راد نسبت به شبهات مذکور، ضروری است که سایر اندیشمندان شیعی نیز تک‌تک این کتاب‌ها را مورد بررسی و نقد قرار دهند.

۳. دلالت روایات (کتاب) کافی بر تحریف قرآن.
۴. تفاسیر مأثور و محدث نوری، شاهدان تحریف قرآن.
۵. روایات نقصان قرآن در تفاسیر مأثور امامیه.
۶. عدم اعتماد شیعه به قرآن مرسوم.
۷. تقیه و تحریف.

۴ - ۲ - ۴. اشکال چهارم: اعتزالی‌گرایی عقلی امامیه در تفسیر

مخالفان به هنگام بررسی و ارزش‌گذاری تفاسیر شیعه، افزون بر اینکه همه آنها را تفسیر به رأی و مذموم دانسته‌اند، مؤلفانشان را به عقل‌گرایی اعتزالی متهم کرده‌اند. تنها دلیل آنها در این اشکال این است که شیعه آیات زیادی از قرآن را که ظاهر آنها دلیل بر رویت خدا، مجبور بودن انسان در اراده، خلق افعال، ختم قلوب، غفران الهی و... است، مطابق عقیده خود تفسیر کرده و از ظاهر آنها عدول کرده است. مخالفان در این راستا به ترتیب شبهات زیر را مطرح کرده‌اند:

۱. تأثیر پذیری امامیه از معتزله.

۲. تفسیر خلاف ظاهر آیات.

۵ - ۲ - ۴. اشکال پنجم: تاویل باطن، جری و تطبیق آیات بر امامت

منتقدان شیعه اصل این را که قرآن دارای ظاهری و باطنی است، قبول دارند و آن را به روایتی از رسول خدا در بطن قرآن مستند می‌کنند؛ اما تفسیر باطنی شیعه را نمی‌پذیرند؛ زیرا در پندار آنان مراد از باطنی که حدیث نبوی به آن اشاره دارد و عموم مفسران به آن قائل‌اند؛ تاویلی است که لفظ قرآنی آن را تحمل می‌کند و می‌تواند مدلولش باشد؛ اما «باطن» نزد شیعه چیزی موافق با ذوق و مشرب خودشان است که در الفاظ قرآنی، هرچند به اشاره، دلیلی بر آن وجود ندارد. در نگاه مخالفان تفسیر باطنی آیات از ابداعات امامیه است و آنان برای اثبات امامت ائمه خود بدان روی آورده‌اند. آنها در تبیین دیدگاه امامیه می‌گویند: «امامیه بر این اعتقاد است که قرآن دارای ظاهر و باطن است و این حقیقتی است که آنان بدان اقرار دارند. خصوصاً آنان که امامیه برای تفسیر باطنی حد و مرزی هم قائل نیستند و برآنند که قرآن دارای هفت و هفتاد بطن است. آنان معتقدند که ظاهر قرآن برای اثبات توحید و نبوت و رسالت و باطن آن برای اثبات امامت و ولایت است».

۶ - ۲ - ۴. اشکال ششم: نفوذ اسرائیلیات و احادیث موضوعه در

تفاسیر امامیه

دکتر علی راد نوشته است:

نفوذ اسرائیلیات و احادیث موضوعه در تفاسیر امامیه از دیگر اشکالاتی است که مخالفان بر تفسیر امامیه می‌گیرند. در نگاه مخالفان، پذیرش چنین اخباری سبب هدم اسلام و معانی قرآن است و به دنبال آن دو، شرافت و حرمت اهل بیت را نیز نابود خواهد کرد؛ چرا که کرامت آنان برگرفته از آن دو است.